

**ماجرای عشق و عاشقی میدون**

**ماقورباغه‌ایم؛ شوخی نکنید**



**پوریا عالمی**

● بچه‌ها شوخی‌شوخی به قورباغه‌ها سنگ می‌زدند، قورباغه‌ها جدی‌جدی می‌مردند (اریش فرید، شاعر آلمانی)

۱

شورای شهر، شهرداری و دولت برای انداختن مسئولیت روی دوش دیگری شوخی‌شوخی وقت می‌کشند

شهروندان، کارگران و آتش‌نشان‌ها جدی‌جدی...

۲

دولت، سازمان محیط‌زیست، رسانه‌های مخالف دولت، مجلس، خودروسازان، سازمان استاندارد و... شوخی‌شوخی هیچ‌کاری نمی‌کنند...

کودکان، افراد سال‌خورده، بیماران و کنجشک‌ها جدی‌جدی...

۳

دولت و مجلس و نهادهای مرتبط درباره وضعیت افسردگی و... در منظر عمومی، شوخی‌شوخی حرف هم نمی‌زنند بی‌کارها، سرخورده‌ها، افسرده‌ها، شاکی‌ها، خسته‌ها و... جدی‌جدی...

۴

دزدها و اختلاس‌کننده‌ها و دکل‌نفتی‌خورها و بغل سلین‌دیون‌رفته‌ها و همسایه‌شان‌شده‌ها و... دارند حالش را می‌برند و زندگی‌شان را می‌کنند و شوخی‌شوخی پول مردم را می‌خورند...

مردم روزبه‌روز لاغرتر و تورم‌روزبه‌روز چاق‌تر

می‌شود جدی‌جدی...

۵

اسیدپاش‌ها، تهوین‌کنندگان در اینترنت به اشخاص، کودک‌آزارها و... دارند کارشان را می‌کنند شوخی‌شوخی... مردم می‌ترسند شوخی‌شوخی...

**وصیت**

سوفیا... عشق من... تو برای من قورباغه هستی و من شوخی‌شوخی به تو سنگ نمی‌اندازم که تو جدی‌جدی بمیری... فقط کاش من هم قورباغه بودم... این‌همه سنگ‌که من خوردم دیگر دارم سنگدان می‌شوم، کاش من قورباغه بودم و آنها آدم بودند و شوخی نمی‌کردند. قربان تو، عاشق قورقور تو؛ میدون دوم.

# شترق روزنامه

**www.sharghdaily.ir**

سه‌شنبه ۵ بهمن ۱۳۹۵ ● ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ ● ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷ ● سال چهاردهم ● شماره ۲۷۸۵ ● ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۶:۱۲ ● اذان مغرب ۴۳:۱۷ ● اذان صبح فردا ۴۲:۵ ● طلوع آفتاب ۰۹:۷۰

**روزنامه‌فردا**

[fardashargh@gmail.com](mailto:fardashargh@gmail.com)

**کارتون خواب**



**جلال پیرمرز آباد**

**رئیس سازمان امور مالیاتی کشور:**  
**پیشنهاد بخشودگی مالیات کسبه پلاسکو تا سال ۹۴به دولت تقدیم شد**



**عبدالرحمن نجل‌رحیم**  
**عصب‌شناس و عصب‌پژوه**

یادم می‌آید وقتی «سیاوش»، پسرِم، دوران خردسالی را می‌گذراند، به کارتون «سام آتش‌نشان» علاقه نشان می‌داد و می‌گفت وقتی که بزرگ شود می‌خواهد مثل «سام» آتش‌نشان شود. من به شوخی او را «سیاوش آتش‌نشان» صدا می‌کردم. در این‌ کارتون، «سام»، آتش‌نشان قهرمان دهی در بریتانیاست که در آن زندگی می‌کند. او در همه امور مربوط به آسایش و بهزیستی عمومی، از جمله مقابله با خطر آتش‌سوزی، به اهالی ده کمک می‌کند. آن‌موقع که من در انگلستان روی پروژه پژوهشی مربوط به چگونگی خاموش‌کردن حملات صرعی در مغز کار می‌کردم، روزی «سیاوش» با لحنی کودکانه از من پرسید: به چه کاری مشغولم؟ من برای اینکه طوری توضیح دهم که او بفهمد، گفتم: «کارم مثل کار

**اتفاق**

## لحظه‌هایی از جمع‌روز تحلیف ترامپ و راهپیمایی زنان بزرگ‌ترین تجمع سیاسی قرن

**محمدرضا جلیلی‌پور**

● حاضران در جمع حامیان ترامپ در روز تحلیف (زیر ۲۰۰ هزار نفر)، کمتر از یک‌سوم جمعیت معترضان به ترامپ در تظاهرات زنان در واشنگتن (بیش از ۶۰۰ هزار نفر = بزرگ‌ترین تجمع سیاسی قرن ۲۱ در آمریکا) بودند. مسیر رژه روز تحلیف خلوت بود و حتی هنگام عبور ترامپ هم جمعیت حامیانِش چندان شوروی نداشتند. تقریباً همه حامیان ترامپ آمریکایی و اکثریت قریب‌به‌اتفاق آنها آرام، سفیدپوست، مسیحی، میان‌سال و همراه خانواده بودند. گویی حامیان ترامپ کمتر از مخالفان جوان و پرائزری ترامپ به اظهار و ابراز هویت سیاسی‌شان میل داشتند. در مقابل، در تظاهرات ضدترامپ زنان در فردای روز تحلیف، به‌وضوح تکثر نژادی و سنی و شور بیشتری دیده می‌شد. عصر روز تحلیف هم مخالفان ترامپ پارک‌ها و فضاهای عمومی مرکز واشنگتن را با موسیقی و حضور اعتراضی و سرگرم‌کننده‌شان و پخش ۵۰ هزار نخ علف رایگان به نوعی کارناوال جوانانه، سرخوشانه و هیبیانه تبدیل کرده بودند و در موارد متعدد، با گارد ضد شورش درگیر می‌شدند و از این درگیری لذت می‌بردند. این برخوردها، به شلیک چندین گاز اشک‌آور و بازداشت تعدادی از مخالفان ترامپ در روز تحلیف انجامید.

● حداقل یک‌سوم حاضران در تظاهرات زنان در واشنگتن مردان تشکیل می‌دادند؛ نشانه‌ای از توفیق فمینیست‌ها در قانع و همراه‌کردن بخش بزرگی از مردان برای بسط عدالت جنسیتی. حضور میلیون‌ها مرد در تظاهرات زنان در سراسر جهان، در این روز شاهدهی بود بر اینکه بخش بزرگ‌تری از مردان باور کرده‌اند که جامعه‌ای که از نظر جنسیتی عادلانه‌تر است، برای همه، از جمله مردان، جامعه بهتری است (چه در ساحت روابط عاشقانه، دوستی و خانواده و چه در عرصه اقتصاد، سیاست، علم، فن، هنر و دین). این یارگیری بیشتر از مردان، به افزایش سرعت و قدرت جنبش زنان برای کاهش تبعیض‌های جنسیتی کمک می‌کند.

● تظاهرات زنان نمونه خوبی از مداخله جمعی سیاسی‌ای بود که به هم‌افزایی انواع اشکال سرکوب، سلطه و تبعیض توجه داشت (تقاطع‌باوری intersectionality به تعبیر کیمبرلی کرشناو، جامعه‌شناس فمینیست). محور شعارهای تجمع، حقوق زنان و تبعیض علیه زنان بود؛ اما اعتراض به انواع دیگر تبعیض علیه مهاجران، مسلمانان، فلسطینیان، رنگین‌پوستان، فرودستان و اقلیت‌های جنسی هم در سخنرانی‌ها و اجراهای پشت تریبون و شعارها و پلاکاردهای حاضران پررنگ بود. مثلاً پنج نفر از سخنرانان و هنرمندانی که پشت تریبون حاضر شدند، زنان مسلمان بودند؛ گرچه فقط یک درصد جامعه آمریکا را تشکیل می‌دهند. بیشتر سخنرانان هم زنان رنگین‌پوست، فلسطینی، مهاجر، تراجنسی، دگرجنس‌گرا و کم‌درآمد بودند (بیش از سهم جمعیتی‌شان در جامعه آمریکا).

● تظاهرات زنان رویندادی فراملی و جهانی بود؛ اولاً در تجمع واشنگتن، درصد درخ‌ور توجهی از جمعیت را ملیت‌های دیگر و مهاجران تشکیل می‌دادند و تظاهرات واشنگتن به واسطه رسانه‌ها از سوی صدها میلیون نفر در جهان دیده می‌شد. ثانیاً، در همین روز، در ۶۳۷ شهر دیگر در سراسر جهان نیز همین تظاهرات زنان با شعارها و پلاکاردهای مشابه برگزار شد؛ از کلکته هند و نایروبی کنیا تا لمبورن استرالیا و اربیل عراق. این تظاهرات در اعتراض به ترامپ در کنار تجمع‌های ضد جنگ عراق و ضد حملات اسرائیل به غزه، بزرگ‌ترین و جهانی‌ترین تظاهرات‌های سیاسی قرن ۲۱ بوده‌اند و نشانه‌ای از به‌هم‌وابستگی روزافزون ساکنان زمین و شبکه‌های اجتماعی آنلاین و رسانه‌های فراملی تسهیل‌گر این همبستگی فرامرزی شده‌اند.

● میزان خلاقیت و طنز شعارها و پلاکاردهای دست‌ساز حاضران در تظاهرات، چشمگیر بود. درون‌مایه بیشتر آنها هم برگرفته از اظهارات سخیف، جنسی و زن‌ستیزانه ترامپ در دوره تبلیغات بود. مثلاً کلاه‌های گربه‌ای و صورتی صدها هزار نفر از شرکت‌کنندگان به جمله ترامپ در رسوایی اتوبوسی‌اش کنایه می‌زد و تعداد زیادی از پلاکاردهای بامزه هم به اندازه کوچک دست‌های ترامپ اشاره داشت که در مناظره‌های رقابت‌های مقدماتی انتخابات طرح شده بود. فضای عمومی تجمع و شعارها، پلاکاردها و سخنرانی‌ها هم گرم، پرخنده و امید و طنزآمیز بود؛ نوعی اعتراض سیاسی با اعتمادبه‌نفس، شادان و امیدبخش و نه افسرده و عصبی.

● مدیریت برنامه‌ها و جمعیت و تکنولوژی برگزاری تظاهرات به نسبت پیشرفته بود. عواملی از این دست کمک کرده بود تجربه این تظاهرات برای حاضران خوش، لذت‌بخش و خاطره‌سازتر شود: برنامه‌های جذاب و غنی تریبون، سخنرانی‌های متنوع، کیرا و تأثیرگذار فعالان مدنی، قربانیان انواع تبعیض، هنرمندان محبوب و رهبران سیاسی، با متن‌های قوی‌ای که معلوم بود با حمایت یک اتاق فکر حرفه‌ای تنظیم شده‌اند، اجراهای مهیج، انرژی‌بخش و زنده موسیقی و شعرخوانی، انتظامات قوی، دستشویی‌های سیار پرتعداد، بلندگوها و پرده‌های نمایش بزرگ پرشمار که در چند کیلومتری خیابان استقلال و اطراف امکان شنیدن و دیدن برنامه‌های جایگاه مرکزی را به صدها هزار تظاهرکننده می‌داد و دادن فضا برای نمایش تکثر و تنوع چشمگیر جمعیت و شعارها و پلاکاردهایشان، در عین وحدت رنگ کلاه‌های گربه‌ای صورتی. همکاری صدها هزار شرکت‌کننده با برگزارکنندگان و مدیت و احترام آنها به دیگر تظاهرکنندگان نیز به چشم می‌آمد. مثلاً با وجود تراکم شدید جمعیت، حتی یک‌بار هم ندیدم کسی دیگری را هل بدهد و عصبانی کند.

● برای تظاهرات زنان در واشنگتن دو ماه بسیج و سازماندهی مردمی قدرتمند با مشارکت هزاران داوطلب انجام شده بود. حضور مردم در تجمع هم هیچ‌گونه هزینه‌ای نداشت و حتی یک مورد بازداشت و درگیری با پلیس هم در تظاهرات گزارش نشد.

**آکادمی**

## آتش‌نشانان عاشق

پلاسکو تهران، قهرمانی و جان‌فشانی آتش‌نشانان را شاهد هستیم، یاد آن زمان اقدام که برای پسرِم «سیاوش» که عاشق کارتون «سام آتش‌نشان» بود، شباهت آتش‌نشانی با کارم را توضیح می‌دادم. تاسف اینجاست که وقتی آتش‌سوزی می‌شود، قدر و ارزش کار آتش‌نشان معلوم می‌شود و تازه همگان از خواب غفلت بیدار می‌شوند و مردم و مسئولان به اهمیت و ارزش این شغل پرمخاطره و حساس پی می‌برند. تنها در این شرایط بحرانی است که نشانه‌هایی دال بر آزار وجدان عمومی در بی‌توجهی نسبت به صاحبان این مشاغل و کیفیت کار و رسیدگی به معیشت آنها دیده می‌شود؛ مشاغلی که اکثر افراد غافیت‌طلب و عاقل، اما نه عاشق، از پیگیری و قبول و ادامه آن سر باز می‌زنند. در مقایسه مثل آن است که تا وقتی دچار عوارض مغزی چون صرع نشده‌ایم، از اهمیت خوب کارکردن مغزمان، غافل می‌ماییم.

**رودررو**

## مریم زندی از عکس‌های منتشرشده پلاسکو می‌گوید

### آتش‌نشان بر فراز دود و آتش

**سعید برآبادی**

مریم زندی در این گفت‌وگو از محدودیت‌های تهیه عکس و خبر درباره فاجعه پلاسکو می‌گوید.

✂ **با گذشت چند روز از حادثه پلاسکو، به نظر شما جای خالی چه نکته‌ای در زمینه اطلاع‌رسانی به نظر می‌رسید؟**

در این روزهای تلخ، هرروز صبح کارم را با مرور رسانه‌ها شروع می‌کنم و طبعاً، هر رسانه‌ای را که بازم می‌کنید، پر است از عکس و خبر درباره پلاسکو. در این‌میان متأسفانه رسانه‌های مجازی و غیررسمی بار جای خالی رسانه‌های آزاد را در کشور به دوش می‌کشند و طبیعتاً اخبار و عکس بیشتری منتشر می‌کنند.

✂ **قمر می‌کنید دلیل این امر چیست؟**

دلایل متعددی دارد؛ اولاً آن‌طور که می‌دانم، به بسیاری از رسانه‌ها اجازه ورود به محوطه حادثه پلاسکو را ن داده‌اند و از میان رسانه‌های رسمی کشور، تلویزیون است که اجازه ورود یافته و خوب، اگر به اخبار و تصاویر تلویزیون هم دقت کرده باشید واضح است که خیلی جانبدارانه با موضوع برخورد کرده و همین موضوع باعث شده که خیلی‌ها مثل من به کانال‌های تلگرامی برای شنیدن اخبار پلاسکو رو بیاورند.

✂ **این جانبداری چه عواقبی را به دنبال دارد؟**

از قصد و نیت آنها بی‌اطلاع، اما وقتی که رسانه‌ها در پوشش خبری و تصویری یک اتفاق ملی مثل حادثه پلاسکو با محدودیت مواجه می‌شوند و عملاً اطلاع‌رسانی در اختیار رسانه‌هایی قرار می‌گیرد که جانبدارانه عمل می‌کنند، این شائبه به وجود می‌آید که مسئولان می‌خواهند مردم فقط چیزهایی را بشنوند و ببینند و حتی پنهان کنند که خود می‌خواهند. بنابراین من به‌عنوان یک بیننده عادی سعی می‌کنم اخبار و تصاویر پلاسکو را از کانال‌هایی پیگیری کنم که هم سریع‌ترند و هم آزادتر؛ مثل شبکه‌های اجتماعی.

✂ **عکس‌های زیادی از پلاسکو در فاصله چند روز اخیر منتشر شده، به نظر شما کدام‌یک می‌تواند نمادی برای این حادثه در ذهن مردم باشد؟**

می‌دانید حادثه واقعاً حادثه بزرگ، مهم و جان‌سوزی بوده و همین باعث می‌شود که هر عکس ساده و خبری‌ای خیلی زود مخاطبان بسیاری را در ایران و دنیا تحت‌تأثیر قرار دهد، از طرف دیگر بسیاری از این عکس‌ها بدون نام عکاس در فضاهای مجازی منتشر شده‌اند و طبعاً بیننده نمی‌داند این عکس‌ها مال کیست. باین‌همه عکسی که در این روزها خیلی نظرم را جلب کرد، یک کادر پر از دود بود که آتش‌نشان تنهایی را بر فراز نردبان و در حال خاموش‌کردن آتش، نشان می‌داد؛ این عکس به نظرم خیلی روی مردم تأثیر گذاشت؛ چون عمق فاجعه را نشان می‌داد و هم تنهایی و فداکاری آتش‌نشانان کشورمان را. این روزها سراسر ایران در این غم شریک هستند، مخصوصاً آنکه می‌دانند دلیل حادثه کمبودها و بی‌توجهی‌ها بوده است.

✂ **هم‌زمان با این رخداد، مردم اولین گروهی بودند که خود را به صحنه رساندند و عکس و فیلم گرفتند. همین موضوع انتقاداتی را در پی داشت، اما حالا همان تصاویر، تنها اسناد قابل بررسی از ناگفته‌های حادثه پلاسکو هستند. فکر می‌کنید با این اوصاف باید حضور مردم در حادثه‌ها را مثبت دانست یا منفی؟**

این فضای متناقض از آنجا نشئت می‌گیرد که ما مردمی هستیم همواره بر موح افراط و تفریط. به‌رحال این روزها، هر عکس یا تصویری دارد بار اخباری را به دوش می‌کشد که قرار بوده از رسانه‌های مستقل به گوش مردم برسد. تا اینجا کار هیچ مشکلی نیست، مشکل از آنجایی شروع می‌شود که در این راه افراط می‌کنیم. مگر ما را یک حادثه چند فریم عکس یا چنددقیقه فیلم شبیه به‌هم می‌خواهیم؟ معلوم است که با ازدحام برای تهیه فیلم و عکس، روند امدادرسانی کند می‌شود و جان‌های بیشتری در خطر قرار می‌گیرند، اما سؤال اینجاست که چرا با وجود چنین نگرانی‌هایی باز هم گروهی می‌ایستند و از فاجعه عکاسی می‌کنند. به نظرم دلایل اجتماعی دارد. نمی‌توانیم بگوییم مردم متوجه حساسیت ماجرا نیستند و درک نمی‌کنند؛ چراکه اگر این‌طور بود، امروز صف‌های امدادی خون و انتشار فراخوان‌های کمک تا این اندازه گسترده نمی‌شد. شاید این حس از طرف مردم است که به‌خاطر عدم اعتماد به رسانه‌ها و برخی مسئولان، ترجیح می‌دهند خودشان نقش رسانه بی‌طرف را برعهده بگیرند. باز هم تا اینجا کار مشکلی نیست، مشکل آنجایی شروع می‌شود که این حضور هدایت‌نشده، پیامدهای تلخی بر روند امدادرسانی خواهد داشت.

✂ **چرا در این حادثه از شما عکسی ندیدیم و در پلاسکو حاضر نبودید؟**

به‌رحال من هم به‌عنوان یک ایرانی دوست داشتم بروم و از نزدیک راوی ماجرا باشم، اما ملاحظاتِی وجود داشت. فارغ از مسائل شخصی، یک دلیل رتقن من و بسیاری از عکاسان مستقل به چنین حوادثی، این است که نمی‌گذارند راحت عکاسی کنیم. در بسیاری از کشورهای دنیا، عکاسان مستقل، در اجرای حوادث ملی ورود پیدا کرده و عکس می‌گیرند، اما در ایران، کارت‌های هویتی عکاسان در شرایط عادی مورد تأیید مسئولان نیست، چه برسد به شرایط بحرانی. بنابراین روی خواسته خود مبنی‌بر حضور و عکاسی در روند امدادرسانی، سرپوش می‌گذارم و به دین عکس‌های دیگر عکاسان اکتفا می‌کنم.

**پرسش‌هایی درباره پلاسکو**

- چرا مرتضی طلائی، عضو شورای شهر در محل آوار پلاسکو حضور داشت و با شیلنگ آب عکس گرفتند؟
- چرا مردم از ارسال پیامک از موتورخانه خبر می‌دهند و حتی فیلم یک آتش‌نشان هم هست که در این زمینه صحبت می‌کند اما سرانجام تکذیب شد؟
- چرا برای هر اتفاقی خبرنگارها را از محیط آوارهای پلاسکو بیرون می‌کنند؟
- برای بررسی این حجم از آوار که از فعالیت روزانه ۱۵۰ کامیون برای جابه‌جایی نخل‌ها خبر داده می‌شود، چقدر زمان نیاز است؟